

متن پرسش

سلام علیکم . ببخشید استاد، ما خواهرانی هستیم که در یک تشکل کار فرهنگی انجام می دهیم. مدتی است که غم خانواده هامان درد مشترک ماست. اصلا خانواده های ما مرگ را در مقابل خود نمی بینند و به گونه ای زندگی می کنند که انگار تا ابد قرار است در دنیا بمانند. بعد نمازشان بلافاصله مشغول دنیا می شوند و خیلی تلاش می کنند اما نه برای خدا. خیلی برای ما زحمت می کشند اما نه برای خدا. اصلا نمی توانند تصور کنند که دین ساحت بالاتری هم دارد و این از نحوه ی زندگی شان مشخص است. جناب استاد ، ما جلسه ای گرفتیم و بحث کردیم روی این مسئله . باید خودمان را بسازیم تا آن ها ساخته شوند. اما تا ما ساخته شویم دیگر آن ها فرصت هدایت را از دست داده اند. استاد ، روز به روز دنیا گرایی آن ها بیشتر می شود و نگرانی های بی جهت نسبت به زندگی دنیا و موفقیت و آینده ی ما دارند ، اما آینده را چه تعریف کرده اند که با زندگی دنیایی تضمین شود ؟ جناب استاد، به نظر شما چگونه می توانیم آن ها را هدایت کنیم؟ ریشه ی این دنیا گرایی را یاس از حیات توحیدی یافتیم. ضمن این که به جهت تاثیر پذیری و تاثیر گذاری بیشتر خانم ها ، قرار شد روی مادران کار کنیم تا خانواده هدایت شوند و از این منظر بسیاری از مسائل را شاید بتوان از طرق عاطفی حل کرد...اما چگونه؟ چگونه می توان آن ها را که سال ها با دنیا و جلواتش انس گرفته اند ، متوجه حیات برتری کرد؟ چه باید کرد؟ یک راه عملی و کاربردی. هر کمکی از دستتان بر می آید بفرمایید و لطفا افق جدیدی را به روی ما بکشایید. لطفا تا حد امکان پاسختان را شرح بفرمایید. این از مشکلاتی است که بارها در جمع های مختلف مطرح شده و دغدغه ی فقط ما نیست. با تشکر. التماس دعا.

متن پاسخ

باسمه تعالی، سلام علیکم: ظاهراً به چند دلیل نمی‌توانید کاری بکنید؛ یکی آن‌که اکثراً در این سن شکل گرفته‌اند و دیگر آن‌که مشکلشان است از شما حرف‌پذیری داشته باشند لذا پیشنهاد بنده آن است که اولاً: بیش از حد حساس نباشید که موجب برخورد بد یا سبک‌کردن آن‌ها شود. ثانیاً: با برخورد خوب و تذکرات جسته‌گریخته، تذکراتی بدهید که کوتاهی نکرده باشید ولی خیلی مطلب را دنبال نکنید. مباحث کتاب «فرزندم این‌چنین باید بود» خوب است ، محفلی ترتیب دهید تا هر هفته یک جلسه از آن خوانده شود و برای همدیگر شرح دهید. موفق باشید